

تحریم انتخابات: چرا؟ چگونه؟

با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات هفتم مجلس شورای اسلامی آنچه بیش از پیش در اذهان عمومی طرح می‌گردد این است که: چگونه می‌توان بر موانع بر سر راه گذار به یک «نظام دموکراتیک» در ایران غلبه کرد؟

آیا با شرکت در انتخابات، امکان حل مسالمت آمیز مسئله دموکراسی در چارچوب نظام حقوقی - سیاسی سرمایه داری موجود وجود دارد؟ اگر چنین است، چرا «اصلاح طلبان» حکومتی علیرغم حمایت بخش گسترده از مردم و بدست گرفتن قوای مجریه و مقننه در چند سال پیش نتوانستند حداقل تغییرات را عملی سازند؟

پاسخ به این سؤالات روشن است. شرکت در انتخابات که از اساس غیر دموکراتیک پی ریزی شده است، بهیچوجه جایز نیست. شرکت در انتخابات هایی که همواره تنها دو جناح از یک حکومت دیکتاتوری در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ در انتخابات هایی که حتی از شرکت برخی از «خودی» ها نظیر ملی- مذهبی ها جلوگیری به عمل می‌آید؛ در انتخابات هایی که تمام گرایش های نظری غیر مذهبی مانند کمونیست ها، سوسیالیست ها، سوسیال دموکرات ها و غیره حذف می‌گردند؛ غیراصولی است. گرچه در انتخابات پیشین ریاست جمهوری خاتمی، شرکت وسیع مردم در جهت انتخاب بین «بد» و «بدتر» بود. اما؛ اکنون با تجربه بی عملی «اصلاح طلبان» در پیشبرد حتی سیاست های نیم بند خود؛ مردم می‌توانند به یک بدیل «خوب» دسترسی پیدا کنند.

کارنامه عملکرد خود را ارائه دهید!

برخی از «اصلاح طلبان» (حزب مشارکت) کماکان تصمیم گرفته است که در انتخابات شرکت کرده و همانند پیش خود را در مجلس به اسیر بی اراده دست حزب الله مبدل کند. برخی دیگر از «اصلاح طلبان» «آینده نگر» و «معقول» (توده ای ها، اکثریتی ها، سوسیال دموکرات ها، لیبرال ها و ملی- مذهبیون و غیره)، انتخابات را تحریم کرده و در مقابل، خواهان «فراندوم» شده اند. و برخی دیگر از گرایش های فرقه گرای چپ تنها شعار «تحریم» را می‌دهند. موضع سوسیالیست های انقلابی با این روش ها مغایرت دارد.

گرچه تحریم انتخابات در وضعیت کنونی امری است اصولی، اما؛ تنها «تحریم» انتخابات «به خودی خود» بدیل «خوب» نیست. امتناع از شرکت در انتخابات نباید به مفهوم بی برنامهگی و بی عملی قلمداد شود. مردم ایران در دوران حساسی قرار گرفته و از طریق دخالتگری در سیاست می‌توانند سرنوشت خود را رقم زنند. همانطور که طرح شعار «تحریم» بدون سازماندهی امر دخالتگری حول یک سلسله مطالبات مشخص، بی تأثیر است؛ طرح شعار «فراندوم» در وضعیت کنونی گامی به پیش بر نمی‌دارد. در مورد طرح شعار فراندوم در ایران در دهه اخیر، چند نکته قابل ذکر است:

اول، باید توضیح داده شود که چه تفاوتی بین انتخابات ریاست جمهوری دوره اول و دوم، انتخابات شوراهای شهر و روستا و انتخابات اخیر مجلس ششم و پیشنهاده «فراندوم» برای دوره هفتم وجود دارد؟ آیا دو انتخابات ریاست جمهوری و شرکت وسیع توده های میلیونی در آن، یک «فراندوم» علیه «ولایت فقیه» نبود؟ آیا مردم آگاه ایران از طریق رأی دادن به خاتمی ی ناشناخته، یک پاسخ «نه» به جمهوری اسلامی ندادند؟ آیا در انتخابات مجلس ششم میلیون ها نفر از مردم ایران با آرای خود در مقابل خامنه ای و باند حزب الله نیاستادند؟

واضح است که در انتخابات دوران پیش بخش تعیین کننده ی مردم ایران با درایت و آگاهی، در چند «فراندوم» شرکت کرده و آرای منفی خود را به ولایت فقیه دادند. اینکه نام این انتخابات «فراندوم» نبود، تغییری در اصل مسئله نمی‌دهد. حداقل از دیدگاه بخش قابل ملاحظه ای از مردم آگاه ایران همه این انتخابات در واقع فراندوم هایی علیه ولایت فقیه بوده اند.

دوم، آیا پس از این تجربه چند ساله، زمان «فراندوم» ها سپری نشده است؟ محققاً در اذهان آن بخش آگاه از مردم ایران، چنین است. اگر تاکنون توهمی نسبت به اصلاحات از طریق فراندوم و انتخابات وجود داشت، با

تهدید خامنه ای نسبت به نمایندگان مجلس ششم، نشان داده شد که آرای میلیونی مردم و کل نمایندگان «اصلاح گرا» در مجلس ششم، اهمیتی برای هیئت حاکم ندارند. مردم ایران و به ویژه پیشروان جامعه، در عمل دریافته اند که مرحله رفراندوم، تأثیری نداشته و باید وارد شکل دیگری از مقاومت شوند. طرح این شعار شاید حدود ۸ سال پیش، قابل تأمل بود، اما امروزه آن یک شعار بی ارتباط با وضعیت ایران است.

سوم، چنانچه رفراندومی نیز شکل گیرد هیچ ضمانت اجرایی برای تصمیمات آن وجود ندارد. زیرا از نقطه نظر باند خامنه ای، «ولایت فقیه» به آرای عمومی و نظر اکثریت ارتباطی ندارد. همانطور که نشان داده شد آنها به آراء مردم در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس ششم، اهمیتی نشان ندادند. اگر قرار باشد که خامنه ای (به حکم ولایت فقیه) از بالا و حزب الله و لباس شخصی ها (با سرکوب و ارعاب) از پایین، تمام خواست های مردم ایران را منفی اعلام کنند، چه تضمینی وجود دارد که این بار به آرای مردم در یک رفراندوم تن دهند و آنرا اجرا کنند؟

در مقابل «اصلاح طلبان» که از کارگران می خواهند که یا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت فعال داشته باشند تا سرنوشت خود را بدین ترتیب رقم زنند؛ و یا به رفراندوم رای دهند، پاسخ اینست که «کارنامه چند سال عملکرد خود را ارائه دهید!» چگونه کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان ایران که در انتخابات پیش به خاتمی و «اصلاح طلبان» رای دادند؛ می توانند مجدداً در انتخابات مجلس شرکت داشته باشند؛ اگر قرار باشد که کارنامه عملکرد چند ساله خاتمی و نمایندگان مجلس به صورت علنی در رسانه های عمومی ارائه داده نشود؟ مردم ایران، پیش از رای دادن، باید در مورد تمام اقدامات سیاسی و اقتصادی رژیم مطلع باشند.

مردم ایران دیگر نمی توانند با شرکت در انتخابات، مجوز سرکوب خود را به انصار حزب الله بدهند! چه اقدامات مشخصی «اصلاح طلبان» برای جلوگیری از قتل و عام ها و دستگیری ها و سرکوب انجام داده اند؟ چه اقدامی در مورد حضور لباس شخصی ها در دانشگاهها انجام پذیرفته است؟ هیچ! نه تنها اقدامات اقتصادی و سیاسی و عده داده شده اجرا نشده بلکه خسارتهای وارده بر آزادهای سیاسی مردم به مراتب بیشتر از دوره پیش بوده است. در واقع کارنامه چند سال عملکرد دولت خاتمی و نمایندگان اصلاح طلب منفی بوده است.

دفتراهای دخل و خرج باز باید گردد!

بانک مرکزی و دولت هموار اعلام کرده است که وضعیت اقتصادی وخیم بوده و درآمد حاصله از فروش نفت کفاف بهبود اوضاع اقتصادی را نمی دهد. «اصلاح طلبان» استدلال می کنند که تنها با روش «آرامش فعال» و شرکت در انتخابات مجلس و انتخاب افراد صالح (نظیر خاتمی!) می توان به بهبود اقتصادی دست یافت. شرکت فعال در انتخابات و مبارزه برای اصلاحات زمانی چهره و اقمی به خود می گیرد، که کارگران ایران در مورد کلیه مسایل اقتصادی آگاه باشند. پاسخ سوسیالیست های انقلابی به سردمداران رژیم اینست که «دفتراهای دخل و خرج را باز کنید!» تا تمام مردم ایران مشاهده کنند که درآمد و خرجهای رژیم در سال های پیش (دوره ریاست جمهوری خاتمی) چه بوده است.

سالهاست که بنیادهای به اصطلاح مستضعفین، ۱۵ خرداد، علوی و غیره اقدام به جمع آوری کمک مالی از مردم کرده اند. یکی از مطالبات کارگران در دوره انتخاباتی، می تواند تشکیل یک کمیسیون کارگری برای رسیدگی به دخل و خرج این بنیادها باشد. اگر رژیم ادعا دارد که پولهای جمع آوری شده توسط بنیادهای مذکور در راستای کمک رسانی به کارگران و زحمتکشان (مستضعفین) بوده است، چه باکی از علنی کردن حساب و کتابهای آن بنیادها باید داشته باشد؟

تشکلات مستقل کارگری ایجاد باید گردد!

کارگران برای شرکت در انتخابات نیاز به تشکل های مستقل خود دارند. کارگران باید از طریق تشکیل تجمع و جلسات به کارنامه نمایندگان مجلس در دوره پیش رسیدگی کرده و مطالبات و سیاستهای آتی خود را به صورت جمعی اتخاذ کرده و بر اساس آن در انتخابات شرکت کنند. اگر رژیم به ایجاد تشکل های مستقل کارگران تن

ندهد، انتخابات بی ارتباط به مسایل آنها قلمداد می شود. کارگران ایران باید از حق اعتصاب، تجمع، مطبوعات و بیان برخوردار باشند. بدون ایجاد تشکلات مستقل کارگری هیچ یک از این مطالبات قابل تحقق نخواهند بود. رعایت حقوق اولیه دموکراتیک کارگران تنها راه ضمانت اجرای سیاستهای آنهاست. طی سال های پیش سرمداران رژیم در عمل نشان دادند که حافظ منافع کارگران نبوده و قابلیت ادای قول و قرارهای خود را از دست داده اند. شرکت در انتخابات بدون داشتن تشکلات مستقل کارگری، کارگران را مجدداً به اسرای سرمایه داران مبدل خواهد کرد. دوباره دستمزدهای آنها پرداخت نخواهد شد و اخراج ها و سیاست ها و قوانین ضد کارگری اعمال خواهد شد.

کارگران در پهنای چند سال گذشته به ماهیت واقعی «اصلاح طلبان» پی برده اند. اخراج های بی رویه، عدم پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، ارباب و دستگیری معترضان و تحمیل قوانین قرون وسطایی «کار» و معرفی نهادهای دولتی تحت عنوان «خانه کارگر» به کارگران؛ همه از «دستاوردهای» ریاست جمهوری و مجلس بوده اند.

اکنون در مقابل کارگران دو راه بیشتر نمانده است. یا تمکین به کل نظام سرمایه داری و سپردن سرنوشت خود به دست «اصلاح طلبان» و تداوم وضعیت موجود (یا بدتر)؛ یا مبارزه برای کسب استقلال از کل دولت سرمایه داری و بدست گرفتن سرنوشت خویش به اتکا به نیروی خود. تصمیم آن بر عهده خود کارگران است. عدم شرکت و یا شرکت در انتخابات نیز بر عهده خود آنهاست. اما در صورت تحریم انتخابات کارگران و زحمتکشان می توانند حول مطالبات یاد شده، در راستای بهتر کردن موقعیت اجتماعی خود گام بردارند.

اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران

۲۵ آذر ۱۳۸۲